

ریشه‌های لاتین در واژه‌های پزشکی و معادل‌های برگزیده در زبان فارسی

مریم جمالی^۱

کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

عادل رفیعی^۲

دانشگاه اصفهان

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی مهم‌ترین ریشه‌های لاتین در اصطلاحات پزشکی و معادل‌های برگزیده‌شده برای این ریشه‌ها در زبان فارسی پرداخته شده است. این پژوهش با توجه به اهمیت معادل‌گزینی برای اصطلاحات بیگانه در زبان فارسی، به‌ویژه اصطلاحات علمی و با توجه به فعالیت‌های علمی مستمر فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این راستا، صورت گرفته است. از نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، این‌گونه برمی‌آید که معادل‌گزینی اصطلاحات پزشکی، برخلاف تصور برخی متخصصان علم پزشکی، نه‌تنها غیرممکن نبوده، بلکه، با توجه به ظرفیت‌های زبان فارسی، این معادل‌گزینی‌ها می‌تواند به‌صورت حساب‌شده و علمی صورت بگیرد. بی‌شک معادل‌گزینی علمی می‌تواند موجب پویایی نظام صرفی زبان فارسی گردد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برنامه‌ریزی زبان، صرف، اصطلاحات پزشکی، ریشه.

1. maryamjamali98@yahoo.com

2. a.rafiei@fgn.ui.ac.ir

۱- مقدمه

پیشرفت‌های روزافزون علم در جهان امروز باعث گسترش ارتباطات بین جوامع انسانی شده است. طبیعی است که در این ارتباطات و تبادلات مادی و علمی، فن‌آوری‌ها و اطلاعات جدید به جامعه‌ای وارد می‌شود که از نظر علمی در سطح پایین‌تری قرار دارد. آنچه مسلم است اینکه هر پدیده و نوآوری به همراه ورود خود به جامعه جدید اغلب نام خود را نیز وارد جامعه پذیرنده می‌کند. به این ترتیب بعد از گذشت مدت‌زمانی، مفاهیم و اصطلاحات گوناگونی در جامعه پذیرنده به چشم می‌خورند که حاصل قرض‌گیری‌اند. این واژه‌های حاصل از قرض‌گیری را وام‌واژه^۱ می‌گویند. کریستال^۲ (۱۹۹۲: ۵۷) قرض‌گیری را چنین تعریف می‌کند: "معرفی یک واژه یا دیگر عناصر زبانی از یک زبان به زبان دیگر را قرض‌گیری می‌نامند". برخورد جامعه زبانی پذیرنده در مقابل مفاهیم جدید متفاوت است. این جامعه ممکن است با استفاده از امکانات زبانی خود برای مفهوم جدید معادلی انتخاب نماید، اما در برخی موارد و به‌ویژه در خصوص اصطلاحات تخصصی^۳ ممکن است این معادل‌گزینی در مراحل ابتدایی صورت نگیرد و واژه جدید در کنار پدیده وارداتی در بین جامعه زبانی مصطلح و مرسوم گردد. به این ترتیب پس از گذشت مدت‌زمانی، در بین متخصصان رشته‌های مختلف دسته‌ای از واژه‌های جدید به‌عنوان واژه‌های تخصصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله این واژه‌های تخصصی می‌توان به اصطلاحات تخصصی رشته پزشکی اشاره کرد که ممکن است برای افراد غیرمتخصص قابل درک نبوده و در مواردی گنگ و بی‌معنا باشند.

امر معادل‌گزینی برای اصطلاحات تخصصی اگرچه توسط نویسندگان و مترجمان صورت می‌گیرد، اما مهمترین نهاد متولی آن فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. از نظر متولیان امر واژه‌گزینی، بی‌توجهی نسبت به ورود بی‌رویه اصطلاحات علمی بیگانه و عدم به‌کارگیری روش‌های مناسب برای کنترل و جایگزینی آنها، باعث آسیب‌پذیری پیکره زبان فارسی و ناتوانی آن در بیان مطالب علمی مربوط به علوم مختلف، از جمله حوزه پزشکی، می‌شود. با توجه به چنین احساس نیازی، دست‌اندرکاران زبان فارسی وارد عمل شده و سعی کرده‌اند تا آن‌جا که ظرفیت‌های زبان اجازه می‌دهد به امر معادل‌یابی اقدام نمایند. اساساً کار

1. loan word
2. D. Crystal
3. technical term

معادل‌گزینی، و به طور کلی فعالیت‌های فرهنگستان، زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که از آن به‌عنوان برنامه‌ریزی زبان یاد می‌شود.

از نظر کوپر^۱ (۱۹۸۹: ۴۵) برنامه‌ریزی زبان به تلاش‌های آگاهانه برای زیر تأثیر قراردادن رفتار دیگران در ارتباط با فراگیری، ساختار و توزیع نقش کدهای زبانی‌شان اشاره دارد. مدرسی (۱۳۶۸: ۲۰۹) برنامه‌ریزی زبان را چنین تعریف می‌کند: "برنامه‌ریزی زبان عبارت است از فعالیتی روش‌مند و سازمان‌یافته برای حل مسائل زبانی یک جامعه از طریق ایجاد تغییرات آگاهانه در ساخت و یا کاربرد زبان."

اما در خصوص اصطلاحات پزشکی مسائلی وجود دارد که به نظر می‌رسد شرایط این اصطلاحات را خاص می‌کند. در این‌جا بسیار پسندیده است که به مسئله‌شناسی اصطلاحات پزشکی پرداخته شود.

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ویژگی اصطلاحات پزشکی، وفور اصطلاحات و واژه‌های یونانی و لاتین در آن است و دلیل این امر را می‌توان در استفاده از زبان یونانی و لاتین به‌عنوان زبان علم در قرون وسطی در اروپا دانست. در بین اصطلاحات پزشکی واژه‌های متعددی با ریشه‌های یونانی و لاتین وجود دارند. نکته قابل توجه این است که این اصطلاحات، به‌ویژه در نام‌گذاری اندام‌ها و دستگاه‌های بدن و نام بیماری‌ها، کاربرد زیادی دارند. همچنین لازم به ذکر است که در ساخت این اصطلاحات از نام اشخاص نیز برای نام‌گذاری مفاهیم جدید استفاده زیادی شده است. وقتی پدیده‌ای برای بار نخست کشف می‌شود، از آن‌جا که اطلاعات در مورد آن ناقص است، نمی‌توان نام جامعی برای آن در نظر گرفت و لذا بر اساس نام اولین شخصی که با آن پدیده برخورد کرده، یا نام محلی که برای اولین بار این پدیده در آن‌جا اتفاق افتاده است، یا شباهتی که به چیزی خاص دارد، برای آن اصطلاحی وضع می‌شود.

سومین ویژگی اصطلاحات پزشکی بارِ جادویی این اصطلاحات است، به طوری که مردم باستان بر این باور بودند که بهترین وسیله درمان بیماری استفاده از اوراد است، و در واقع، در آن زمان، طب نقش جانبی داشت. به همین دلیل است که در روزگار کنونی هم که مردم جویای تازه‌ترین روش‌های درمانی منطبق بر جدیدترین کشفیات علمی‌اند، برخی پزشکان شاید هنوز بر این باورند که نوعی نیروی جادویی بر اصطلاحات پزشکی حاکم است. ویژگی دیگری که شرایط اصطلاحات پزشکی را خاص می‌کند این است که پزشکان و متخصصان مایلند که

1. R. L. Cooper

فهم اصطلاحات پزشکی، مختص خود آنها باشد، به این معنا که پزشک در برخورد و ارتباط با بیماران محدودیت‌های معینی را در استفاده از اصطلاحات تخصصی به کار می‌برد (گرینف، ۱۹۹۲: ۱۸۱).

اما نخستین تلاش‌های صورت گرفته برای ایجاد فرهنگ اصطلاحات پزشکی فارسی در ایران به زمان تأسیس دارالفنون برمی‌گردد. در این زمان اساتید مدرسه دارالفنون مکلف بودند تا کتاب‌های خود را در اختیار مترجمان قرار دهند تا برای ترجمه آنها اقدام شود. از میان این اساتید کسانی چون اشلیمر، استاد اتریشی، خود با علاقه و کوشش فراوان فرهنگی از لغات زبانزد پزشکی و داروسازی به زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه تهیه کرد (بهداری، ۱۳۷۸: ۳۶۳).

همچنین در سال ۱۳۴۸، به همت دکتر محمد بهشتی، انجمنی در نظام پزشکی کشور تأسیس شد و از دانشمندان زبان فارسی، پزشکان و استادان برجسته‌ای، که به زبان فارسی و بیگانه اشراف کامل داشتند، دعوت شده بود تا واژه‌های مناسبی در برابر واژه‌های پزشکی قرار داده و به درهم‌ریختگی و عدم انسجام کاربرد واژه‌ها پایان دهند. در انتخاب هر واژه، اصولی همچون خوش‌آهنگی، رسایی، انطباق بر دستور زبان و کوتاهی در نظر گرفته می‌شده است. از جمله واژه‌های مصوب در این انجمن که ظاهراً از مقبولیت و رسایی قابل توجهی برخوردار شده‌اند می‌توان به **دادپزشکی** در برابر **legal medicine** اشاره کرد. اما این انجمن در ادامه مسیر در پارسی‌گرایی راه افراط را در پیش گرفت تا جایی که واژه **رستمینه** را در مقابل **cesarean**، با توجه به اشاره فردوسی در شاهنامه به نحوه به دنیا آمدن رستم قرار داد. همچنین افراط در عربی‌گرایی نیز از مشکلات معادل‌گزینی بوده است که در آن از واژه **خاصره** به جای **لگن** استفاده شده است (جلال شکوهی و حسین‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۹۴).

در فرهنگستان اول و دوم، به‌ویژه فرهنگستان اول، با تلاش‌های گسترده، واژه‌های زیادی ساخته شد. ۲۰۰ واژه رایج در جامعه امروز از این دست‌اند. همچنین در بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ با تشکیل انجمن‌های واژه‌گزینی، واژه‌هایی پیشنهاد و در معرض نظرخواهی پزشکان کشور قرار گرفت و سپس آراء ایشان برای تصمیم‌گیری نهایی در اختیار فرهنگستان زبان ایران

قرار گرفت. حاصل کار این انجمن در دو دفتر انتشار یافت، که هر چند حجم اندکی داشت ولی به غنای واژگان پزشکی فارسی کمک کرد (مفیدی و نجل رحیم، ۱۳۸۰: ۳۳۳).

اما اینکه واژه‌های برگزیده برای اصطلاحات پزشکی تا چه حد مورد پذیرش و مقبولیت قرار گرفته و توسط پزشکان مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز از جمله مسائل بسیار مهم است که به نظر می‌رسد در کنار واژه‌گزینی پزشکی باید به آن پرداخته شود. داوری اردکانی (۱۳۸۰) در بررسی اوضاع ترجمه واژگانی کتاب *شش جلدی اصول طب هریسون*، که با توجه به دربرداشتن موضوعات گوناگون پزشکی، مرجع اکثر دانشجویان رشته‌های مختلف پزشکی است، بر این باور است که اصطلاحات پزشکی وضعیتی نابسامان دارند که ملغمه‌ای از لغات فارسی، انگلیسی، فرانسو و به‌ندرت عربی است. به گفته اردکانی از بین واژه‌های مصوب فرهنگستان اول در حوزه پزشکی ۶۷٪ اصطلاحات پزشکی رواج یافت و این خود نشان‌دهنده موفقیت کار واژه‌گزینی پزشکی در این فرهنگستان است. اردکانی در بررسی ۱۰۰ صفحه از کتاب مزبور به این نتیجه رسیده است که در ترجمه این کتاب ۷۴٪ کل اصطلاحات لاتین بوده، در حالی که سهم اصطلاحات فارسی ۲۶٪ بوده است. همچنین در این کتاب ترکیبات سخت و پیچیده‌ای به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به *انکوئیک کولوئیدی* و *پروکتیک اولسرو* اشاره کرد. نکته دیگر اینکه نیمی از ۶۹۵ اصطلاح بیگانه، معادل‌هایی در فارسی دارند، در حالی که مترجمان رغبتی در به‌کاربردن این معادل‌ها نشان نداده‌اند.

همچنین از جمله نتایج بررسی میزان مقبولیت و به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب در حوزه پزشکی چنین برمی‌آید که درصد بالایی از پزشکان (۶۳٪) ترجیح می‌دهند در مکالمات خود از اصل واژه لاتین استفاده کنند و تمایل چندانی برای به‌کارگیری معادل برگزیده شده ندارند. این در حالی است که بسیاری از پزشکانی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند از تصویب واژه‌ها و معادل‌های برگزیده مطلع بوده‌اند. اگرچه عامل گذر زمان به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر پذیرش واژه مطرح بوده است، اما به طور کل می‌توان مدعی بود که واژه‌های مصوب فرهنگستان در زمینه پزشکی هنوز نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را در بین جامعه پزشکی باز کنند. از بین انواع مختلف واژه نیز واژه‌های مشتق و ساخت‌های نحوی، بیشترین میزان کاربرد را داشته‌اند (جمالی، ۱۳۹۰: ۵۹).

این در حالی است که واژه‌گزینی برای اصطلاحات بیگانه موجود در زبان فارسی، طی روندی علمی و با حضور متخصصان رشته‌های علمی گوناگون با همکاری زبان‌شناسان صورت

می‌گیرد. با در نظر گرفتن این مطلب شاید بتوان مدعی شد که در خصوص عدم پذیرش واژه‌های مصوب در رشته پزشکی نوعی تعصب وجود دارد که مانع به‌کارگیری این واژه‌ها در مکالمات پزشکان می‌گردد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در عرصه واژگان پزشکی تلاش زیادی برای حفظ زبان رمزگونه وجود دارد. به عبارتی دیگر علیرغم تلاش‌های صورت‌گرفته در خصوص واژه‌گزینی، پزشکان از به‌کارگیری واژه‌ها خودداری می‌کنند.

واژه‌گزینی برای اصطلاحات بیگانه تابع اصول و ضوابط و روشمندی علمی خاصی است. این در حالی است که در حوزه علوم، تکیه واژه‌سازان بر دقت و صحت معنای واژه‌هاست و از این رو به نظر می‌رسد که در ترجمه یا معادل‌سازی سعی بر آن است تا ضمن حفظ مفهوم اصلی، معادل ساخته‌شده از شفافیت کافی برخوردار باشد. یکی از روش‌های استانداردسازی واژه‌گزینی در معادل‌یابی اصطلاحات علمی، تقطیع واژه‌ها به بخش‌های معنادار تشکیل‌دهنده آنها و مراجعه به ریشه‌شناسی^۱ این بخش‌هاست. این بخش‌ها شامل بن یا ریشه^۲ و ستاک^۳ یا پیشوند^۴ می‌شود. با توجه به اینکه اصطلاحات علم پزشکی، عموماً برگرفته از ریشه‌های زبان لاتین است، از این رو این روش می‌تواند در واژه‌سازی این حوزه بسیار کارآمد باشد (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

به نظر نگارندگان شاید بتوان با آگاهی‌سازی و توجیه اینکه برای ریشه‌ها و پیشوندها و پسوندهای اصطلاحات پزشکی، معادل‌هایی در زبان فارسی وجود دارند که به راحتی قادر به بیان مفاهیم مطرح‌شده‌اند، پزشکان را نسبت به ظرفیت‌های زبان فارسی در عرصه علمی آگاه ساخت و آنها را به کاربرد این واژه‌ها ترغیب کرد. به عبارت دیگر شاید بتوان این‌گونه مطرح کرد که از نظر بسیاری از افراد، زبان فارسی زبانی است که در عرصه شعر و ادب از غنای فراوانی برخوردار است، در حالی که در عرصه علمی باید به کناری گذاشته شود و با یاری گرفتن از زبان‌های بیگانه، مفاهیم را به آن منتقل کرد. در این پژوهش ضمن معرفی مهم‌ترین ریشه‌های اصطلاحات پزشکی و معادل‌هایی که در فرهنگستان برای آنها برگزیده شده‌اند، و ضمن آوردن شواهدی از وندهایی که در بیش از یک اصطلاح پزشکی به کار رفته‌اند، به امکان به‌کارگیری آنها در ترکیب‌های بعدی پرداخته شده است.

1. etymology
2. stem
3. suffix
4. prefix

۲- بحث و بررسی

از آن جا که ارائه تعریفی دقیق از واژه با اشکالات فراوانی روبه‌رو است، زبان‌شناسان بر آن شدند که به مطالعه ساختار زبانی کوچک‌تر از واژه با عنوان تکواژ بپردازند.

براساس تعریف ریچاردز^۱ (۲۰۰۲: ۳۴۳)، تکواژ عبارت است از کوچک‌ترین واحد معنا دار زبان که قابل تقسیم نباشد، مگر اینکه آن را تغییر داده یا معنا از بین برود. ریچاردز از تکواژ /kind/ به‌عنوان مثال استفاده کرده است، و می‌گوید که اگر /d/ را از آن حذف کنیم، تبدیل به /kin/ می‌شود که خود معنای متفاوتی دارد.

تکواژ را می‌توان به دو نوع تکواژ آزاد^۲ و وابسته^۳ تقسیم کرد. از نظر کاتامبا^۴ (۱۹۹۳: ۴۳) ملاک این تقسیم بندی این است که آیا تکواژ می‌تواند به تنهایی عمل کند یا باید به یک تکواژ دیگر متصل شود، یعنی هرگاه ریشه ای داشته باشیم که بتواند به صورت مستقل عمل کند این ریشه در واقع یک تکواژ آزاد است. در این تعریف تکواژ آزاد همان واژه ساده است. اما برخی از ریشه‌ها باید به تکواژ دیگری متصل شوند که آنها را تکواژ وابسته می‌نامند. این تکواژ وابسته را که به اجبار به پایه‌ای متصل می‌شود تا واژه یا صورت کلمه را بسازد، وند می‌نامند. وندها، با توجه به جایگاه و نحوه اتصال به پایه، به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. از نظر شقاقی (۱۳۸۶: ۵۳) همه این وندها در زبان فارسی وجود ندارند. مهم‌ترین وندهای زبان فارسی که در فرایندهای واژه‌سازی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از پیشوند و پسوند. پیشوند به قسمت آغازی تکواژ، و پسوند به قسمت پایانی تکواژ اضافه می‌شود (فرامکین^۵، ۲۰۰۳: ۷۷).

قنبری و حسامی تکلو (۱۳۹۱: ۱۰۹)، در بررسی خود به معرفی مهم‌ترین پسوندها و پیشوندهای علوم زیستی پرداخته‌اند، که در زبان فارسی برای آنها معادل‌هایی گویا برگزیده شده‌اند. از جمله پیشوندهای موجود در اصطلاحات پزشکی می‌توان به **پاد** یا **ضد** اشاره کرد که برابر پیشوند **anti-** برگزیده شده است و در واژه‌ای مثل **antibiotic** با معادل **پادزیست** به‌کار رفته است. همچنین می‌توان به پسوند **genesis** به‌معنای **زا** استفاده کرد که در واژه‌ای چون **pathogenesis** به‌معنای **بیماری‌زایی** به‌کار رفته است.

1. J. C. Richards
2. free morpheme
3. bound morpheme
4. F. Katamba
5. V. Fromkin

در پژوهش حاضر بنا بر آن است تا به معرفی پرکاربردترین ریشه‌های لاتین، که در اصطلاحات و واژه‌های پزشکی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، و نیز معادل‌های برگزیده‌شده از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای این ریشه‌ها، بپردازیم. این پژوهش ضمن معرفی این ریشه‌های پرکاربرد، نشان می‌دهد که هرکدام از این ریشه‌ها در فرایند واژه‌سازی در ترکیبات بعدی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و معادل‌های برگزیده‌شده از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشان می‌دهند که معادل فارسی برگزیده می‌تواند گویای واژه لاتین باشد. در این روش ضمن معرفی ریشه، معادل انگلیسی امروزی آن را مطرح کرده و با آوردن معادل فارسی به ذکر یک یا چند مثال می‌پردازیم. لازم به ذکر است که اصطلاحات پزشکی، که در این متن به آنها اشاره شده، از بین دفترهای یکم تا پنجم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان انتخاب شده است (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر اول تا پنجم، ۱۳۸۷-۱۳۸۳).^۱

ریشه‌های پرکاربرد

در این قسمت به معرفی برخی از ریشه‌های لاتین اصطلاحات پزشکی می‌پردازیم. در ابتدا ریشه لاتین معرفی شده و سپس معادل عامیانه و امروزی تر آن در زبان انگلیسی معرفی می‌شود. در ادامه و در بخش دوم معنا و معادل فارسی این ریشه‌ها معرفی شده و در بخش سوم کاربرد ریشه‌های لاتین در اصطلاحات پزشکی مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارت دیگر در این بخش واژه‌هایی مطرح می‌شوند که در آنها ریشه‌های معرفی شده در ساخت واژه‌های دیگر به کار رفته‌اند و سپس معادل مطرح شده در زبان فارسی که همان معادل پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است معرفی می‌گردد.

جدول ۱- ریشه‌های لاتین برخی اصطلاحات پزشکی به همراه معادل فارسی آن‌ها

ریشه لاتین	معنی فارسی	نمونه اصطلاح پزشکی
Gastr (stomach)	شکم	Gastrectomy: برداشتن شکم Epigastrium: بالای شکم
Cardi (heart)	قلب	Electrocardiogram: قلب‌نگاره، نوار قلب Cardiac arrest: ایست قلبی

۱ . فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر اول تا پنجم.

Hematuria: خون‌میزی (ادرار خونی) Hematemesis: استفراغ خونی	خون	(blood) Hem
Hepatomegaly: بزرگ‌کبدی Hepatitis: کبدوارگی	کبد	(liver) Hepa
Gingivectomy: لته‌برداری Gingivitis: لته‌آماس	لته	(gum) Gingivia
Bronchitis: نایژه‌آماس Bronchoscopy: نایژه‌بینی	نایژه	Broncho (bronchial tube)
Cephalic version: پیچاندن سر cephalography: جمجمه‌نگاری	سر، جمجمه	Cephal(head)
Hysteratresia: ناگشودگی زهدان Hysteralgia: زهدان‌درد	زهدان (رحم)	Hyster(womb)
Osteomalacia: نرم‌استخوانی Osteoporosis: پوکی استخوان	استخوان	(bone) Osteo
Pectoriloquy: پستان‌پژواکی	پستان	(breast) Pectoral
Pneumothorax: هواجنبی Pneumonitis: شش‌آماس	هوا، شش (ریه)	(air, lung) Pneumo
Neurologist: عصب‌پزشک Neurology: عصب‌شناسی	عصب	(nerve) Neuro
Hypnotic: خواب‌آور Hypnosis: خواب‌واره	خواب	(sleep) Hypno
Angiography: رگ‌نگاره Angioplasty: رگ‌سازی	رگ	Angio blood or lymph) (vessel
Cholecystography: زهره‌نگاری Cholelithiasis: زرداب‌سنگ‌سازی	زهره، زرداب	(gall, bile) Chole
Urologist: میزراه‌پزشک Urolith: میزراه‌سنگ (سنگ ادرار)	میزراه، ادرار	Urine-

Hyperpnea: بیش‌دمی Tachypnea: تنددمی	دم	(breath) Pnea
Aplasia: نارویش Anaplasia: وارویش	رویش	plasia (development)
Iritis: عنبیه‌آماس Iridotomy: عنبیه‌شکافی	عنبیه	Iris
Keratotomy: قرنیه برداری Keratoglobus: قرنیه درشتی	قرنیه	(cornea) Kerat
Exophthalmos: برون‌چشمی	چشم	(eye) Ophthalm
Myope: نزدیک‌بین Optometer: بینایی سنج	بینایی، دید	(vision) Opt

همانطور که ملاحظه می‌گردد ریشه‌های لاتین در یک یا چند واژه به کار رفته‌اند و فرهنگستان زبان و ادب تلاش نموده تا برای هر کدام از این اصطلاحات معادلی را در زبان فارسی برگزیند. نکته‌ی قابل توجه این‌که همانطور که می‌توان مشاهده کرد سیستم واژه‌سازی زبان فارسی از چنان زایایی برخوردار است که توانسته است به راحتی برای هر کدام از واژه‌های پزشکی معادلی خوش‌ساخت برگزیند.

۳- نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی برخی از مهم‌ترین ریشه‌های پربسامد در اصطلاحات پزشکی است که در بیش از یک یا چند واژه به‌کار رفته‌اند. معادل‌های برگزیده برای این ریشه‌ها، از اصطلاحات برگزیده فرهنگستان بوده است. به دنبال این هدف، ضمن معرفی برخی از این ریشه‌های پرکاربرد، که عمدتاً ریشه‌های لاتین یا یونانی بوده‌اند، معادل امروزی آنها در زبان انگلیسی، از طریق فرهنگ‌های ریشه‌شناسی، بررسی گردیده و سپس به معرفی معادل مصوب فرهنگستان زبان و ادب در مقابل این ریشه‌ها پرداخته‌ایم. در مرحله بعد این ریشه‌ها در فرایند واژه‌سازی و در یک یا چند واژه مورد بررسی قرار گرفته و معادل‌های مصوب در برابر این واژه‌ها معرفی گردیده‌اند. آن‌گونه که از نتایج پژوهش برمی‌آید، واژه‌گزینی برای اصطلاحات، تابع اصول

صرف و ریشه‌شناسی است. همچنین، به نظر می‌رسد، زبان فارسی نه تنها توانایی معادل‌یابی برای اصطلاحات بیگانه را داراست، بلکه این زبان با ظرفیت بالای خود در حوزه صرف توانسته است از معادل‌های مصوب در مشتقات و ترکیبات بعدی استفاده کرده و ریشه واژه را به راحتی در اصطلاحات و واژه‌های دیگر به کار گیرد. این مسئله گویای آن است معادل‌گزینی علمی برای اصطلاحات بیگانه در تمام حوزه‌های علمی به‌ویژه حوزه علوم پزشکی امکان‌پذیر بوده و بر غنای زبان فارسی در این حوزه می‌افزاید. ضمن اینکه تداوم این عملکرد، دستگاه واژگان و حوزه صرف زبان فارسی را نیز پویا و زنده نگه می‌دارد. با توجه به تعصباتی که در برخی حوزه‌های علمی در مقابل واژه‌گزینی وجود دارد، به نظر می‌رسد توجیه اینکه معادل‌گزینی تابع اصول و روش‌های علمی علم صرف و ریشه‌شناسی است، می‌تواند میزان پذیرش و کاربرد واژه‌ها را بالا ببرد.

منابع

- بهادری، مسلم (۱۳۷۸). «لزوم واژه‌گزینی فارسی برای متون پزشکی». ویراستار: شیرین عزیزی مقدم، مژگان غلامی. مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۳۷۰-۳۶۳.
- جلال شکوهی، جلال و عبدالحمید حسین‌نیا (۱۳۷۲). «لزوم پیگیری و تجدید بررسی واژه‌های پزشکی». به کوشش علی کافی، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۹۴-۱۸۹.
- جمالی، مریم (۱۳۹۰). بررسی میزان مقبولیت واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه علوم پزشکی. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۰). «نگاهی به وضعیت اصطلاحات پزشکی فارسی». ویراستار: شیرین عزیزی مقدم، مژگان غلامی. مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۴۷۴-۴۲۵.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶). مبانی صرف. تهران: سمت.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۳). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر اول.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۴). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر دوم.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۵). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر سوم.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر چهارم.
فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر پنجم.
قنبری، عاطفه و سعید حسامی تکلو (۱۳۹۱). «وندهای پیرسامد در اصطلاحات علمی زیست‌شناسی». نشریه دانشگاه علوم پزشکی البرز. ش ۲، س ۱، ۱۲۵-۱۰۹.
گرینف، اس‌وی (۱۹۹۲). «مسائل اصطلاحات پزشکی». ترجمه نگار داوری اردکانی. نامه فرهنگستان. ش ۲، س ۴، ۱۸۱-۱۷۳.
مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
مفیدی، مصطفی و عبدالرحمن نجل رحیم (۱۳۸۰). «گزارش فعالیت‌های واژه‌گزینی پزشکی برای هم‌اندیشی اصطلاح‌شناسی و واژه‌گزینی». ویراستار: شیرین عزیزی مقدم، مژگان غلامی. مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۳۳۳-۳۲۷.

Cooper, R.L. (1989). *Language Planning and Social Change*. Cambridge: Cambridge University Press.
Fromkin V & Robert Rodman & Nina Hyams (2003). *An Introduction to Language*. Thomson: Heinle.
Katamba, F. (1993). *Morphology*. London: Macmillan.
Richards, J. C. & Richard Schmidt (2002). *Longman Dictionary of Language and Applied Linguistics*. Longman: Pearson education.